

## چگونه شناختی از امام حسین(ع) ارزشمند است؟

سیدمجتبی حسینی بیان کرد: اگر امام حسین(ع) یا حضرت عباس(ع) شما این است که تصویر آنها را بکشید، چیزی گیر شما نمی‌آید اما اگر امام حسین(ع) را به عنوان ولی الله و حبیب الله بدانید حتما ارزشمند است، اگر الله نباشد کار ارزشی ندارد.



سیدمجتبی حسینی بیان کرد: اگر امام حسین(ع) یا حضرت عباس(ع) شما این است که تصویر آنها را بکشید، چیزی گیر شما نمی‌آید اما اگر امام حسین(ع) را به عنوان ولی الله و حبیب الله بدانید حتما ارزشمند است، اگر الله نباشد کار ارزشی ندارد.

به گزارش ایکننا، مراسم عزاداری به مناسب ایام عزای روزهای پایانی ماه صفر، شب گذشته سوم مهرماه با سخنرانی سیدمجتبی حسینی، پژوهشگر دین به صورت مجازی برگزار شد که در ادامه متن این جلسه را می‌خوانید؛

در جلسه گذشته بیان شد که واحد متوحد، یعنی خداوند در این وحدانیتش هم متوحد است. خیلی چیزها واحد هستند اما در واحد بودنشان متوحد نیستند. وقتی در توحید خدا حرف می‌زنیم؛ یعنی خدا در واحدیت خود متوحد است. در جای دیگر نیز دارد که واحد یا احدی بلاعدد است؛ یعنی مسئله را بالاتر می‌برد؛ یعنی در وحدت خداوند به سراغ وحدتی که می‌شناسید نروید بلکه یک نوع دیگر مطرح است؛ به این معنا که در واحد و احد بودنش هم کسی مانند او نیست. اینکه این گونه به خدا اعتقاد داشته باشیم خیلی متفاوت است. در ادامه می‌گویم این خدای واحد خلق را آفرید. در عبارت پیشین گفت در کل امور، خداوند واحد متوحد است؛ یعنی نه اینکه خداوند فقط واحد است و شریکی هم ندارم بلکه در امور هم وحدت خاص خود را دارد؛ یعنی وقتی در هر امری نگاه می‌کنید اینطور نیست که یکسری امور را به خدا مربوط کنیم و یکسری امور را مربوط نکنیم، در هر امری خدا هست و فقط هم خدا هست.

این گزاره ممکن است برخی‌ها را به قضیه جبر هم بکشاند؛ خصوصاً که فرمود همه چیز را خلق کرد و چیزی از مسائل عالم از خداوند غایب نیست؛ یعنی خداوند به همه چیز علم دارد. به دلیل اینکه با زبان دیگری با این مجموعه سخن می‌گوییم یک مقدار سخت است که این مفاهیم را بفهمیم که رابطه علم خداوند با جبر چیست که خدا هم علم دارد و هم جبر وجود ندارد. بحث مفصلی بین علما داریم و از جمله مسائل حاشیه‌ای جبر و اختیار علم خداست. برای خداوند زمان مطرح نیست

خداوند هر چیزی را می‌داند، دلیلش این است که زمان مطرح نیست و چون زمان مطرح نیست خیلی از سوالات را باید کنار بگذارید. مثلاً الآن چند نفر در جلسه ما نشسته‌اند اما من دیگران را نمی‌بینم. این افرادی که اینجا هستند را می‌بینم و ربطی به علم غیب هم ندارد چون در همین زمانی که اتفاق افتاده آن را می‌بینم. اگر مسئله زمان را حل کنیم و بدانیم خدا فراتر از زمان و بلکه خالق زمان است آن وقت بسیاری از این سوالات برطرف می‌شود.

برای خدا حال و آینده و گذشته ندارد. معمولاً این مثال را می‌زنند که قطاری را تصور کنید که از جایی رد می‌شود و یک دیواری هست که یک قسمتی از آن دیوار، نیست. ما یکسری از کوبه‌ها را می‌بینیم که برخی از آنها برای ما گذشته‌اند، برخی در حال و برخی هم در آینده هستند. مثلاً روی هر کدام یک شعاری نوشته است و برخی‌ها گذشته و یا می‌گوییم در آینده چنین چیزی می‌آید. حالا تصور کنید یک نفر بالای دیوار است. برای کسی که بالای دیوار است چیزی به نام گذشته و آینده مطرح نیست. اگر بگویید سی ثانیه دیگر کوبه شماره هفده می‌آید برای ما جای تعجب دارد اما برای او کاری ندارد؛ چون روی دیوار است.

ما داریم به زیارت امام حسین(ع) می‌رویم و در برابر یک نقطه خاصی از عالم قرار گرفته‌ایم که می‌شود حرم امام حسین(ع). زیارت عاشورا خیلی حس شور و ناراحتی دارد اما زیارت اربعین تقریباً آن بُعد شور را ندارد و بُعد شعوری و معرفتی‌اش زیاد است و کلامش هم همین است. اینها زیارت‌های ماثور هستند و روی غیرماثورها بحثی نداریم. ثار؛ ارزش غیرفیزیکی خون

ما در زیارت کسی هستیم که توصیه به زیارت او شده است. در این زیارت آمده است که چیزی از امور خلق از علم خدا غایب نشده و نمی‌شود؛ یعنی مثلاً از نظر شما هزار سال یا صد سال از عاشورا گذشته است اما برای خدا زمانی نگذشته است. به خاطر همین پس از آن می‌فرماید که زمین و هر کسی که روی آن قرار دارد ضامن این خون است. بین دم و ثار هم تفاوت وجود دارد. اگر چاقو دست شما را ببرد و چیزی روی زمین بریزد دم است اما ثار نیست و هر کسی ثار ندارد. این دم یک ارزش فیزیکی و یک ارزش غیرفیزیکی دارد. در بحث قصاص، شما ثار را جواب می‌دهید و دم را که دیگر نمی‌شود جواب داد. دم قابل برگشت نیست اما ثار قابل برگشت است.

در قضیه امام حسین(ع) یک خون ریخته شد و زمین و آن کسانی که روی زمین هستند نیز ضامن این خون هستند. اما زمین با فیزیک خون قرار است چه بکند و همچنین ارزش این خون باید اجرا شود. اینکه در تاریخ عده ای به نام «لثارات الحسین» داریم که دنبال خون بهای امام حسین(ع) بودند، برخی از اینها از روی سادگی عمل کردند و برخی از روی زرنگی. آنها که ساده بودند جوگیر شدند و شعار دادند. برخی از روی زرنگی می گفتند؛ در تفکر شیعه اثنی عشری وقتی حجت قیام کند ثار حسین(ع) را مطالبه می کند. از این رو برخی فرقه ها که می خواستند امام زمانشان زودتر بیاید گفتند ما «لثارات الحسین» هستیم و پرونده را بستند؛ یعنی هم مردم با امام حسین(ع) بی حساب شدند و هم امام زمانی که قرار بود بیاید آمد؛ چون برخی فرقه ها برای امام زمانشان عجله داشتند که از جمله زیدیه و کیسانیه بودند. این دم، ولی دارد و ولی اش امام سجاد(ع) بود و ایشان هم دستور داشت که سکوت کند و در خانه بنشیند. دیگر پس از امام سجاد(ع) کسی را نداریم که ولی دم باشد.

اما بحث روی توحید و زیارت امام حسین(ع) بود. توجه داشته باشید که اگر امام حسین(ع) یا حضرت عباس(ع) شما این است که تصویر آنها را بکشید و ... چیزی گیر شما نمی آید اما اگر امام حسین(ع) را به عنوان ولی الله و حبیب الله بدانید حتما ارزشمند است. اگر الله نباشد کار ارزشی ندارد. شمر فرمانده سپاه علی(ع) بود اما علی(ع) را به عنوان فرمانده قبول داشت نه به عنوان ولی خدا و امام منصور از طرف خداوند. می دانستند امام حسین(ع) مهم است اما اینکه بدانند این فرد امام(ع) است خیلی مهم است و اگر خدا را در نظر نگیریم چیزی باقی نمی ماند.